

تربیت با عادت دادن

محرّط



اسلام عادت را به عنوان وسیله‌ای از وسایل تربیتی مورد استفاده قرار داده هر چیز خوب و خیری را تبدیل به عادت می‌کند ، جان بدون هیچ رنجی بوسیله عادت قوام می‌گیرد و بدون هیچ زحمت و مقاومتی استوار می‌ماند .

در همان هنگام که کار عادت انجام می‌گیرد آن هدف و مقصودی را نیز که باعث ایجاد آن عادت برای رسیدن بدان گردیده است پیوسته به یادش آورده نمی‌گذارد خود کار و خشک و بیروح به کار خود ادامه دهد . همیشه به انسان گوشزد می‌نماید چرا و برای چه مقصود و منظوری بدینکار عادت کرده است ، پیوند زنده‌ای بین قلب بشری و خدا ایجاد می‌کند و چنان رابطه متصل کننده ای ترتیب می‌دهد که چون سیم برق نور درخشانی به قلب رسانیده چنان پرتوافکنی و نورافشانی ای در آن رابطه برقرار می‌کند که هرگز ظلمتی در آن راه نخواهد یافت .

اسلام از آغاز شروع کرد به از بیسن بردن عادات بدی که از زمان جاهلیت در محیط عربی ایجاد شده بود و در آنجا حکومت می‌کرد . برای

عادت ، نقش بزرگ و مهمی را در زندگی بشری بازی می‌کند . عادت ، برای اینکه کوشش انسان را در زندگی روزمره تبدیل به یک امر عادی آسانی کند قسمت بزرگی از سعی و مجاهدت انسان را می‌گیرد تا آنرا در میدانهای تازه کار و تولید و ابداع و ابتکار به کار اندازد . اگر این موهبت خدادادی عادت ، در فطرت بشر گذاشته نشده بود انسان همه عمر را صرف یاد گرفتن راه رفتن و سخن گفتن یا آموختن می‌کرد !

عادت با تمام اهمیت و عظمتی که برای انسان دارد ، اگر فاقد آن "آگاهی" لازم و کامل باشد به عنصر بیهوده نارسائی تغییر شکل می‌دهد و به صورت یک عمل خود به خودی در می‌آید که نه جان آدمی اعمالش را متوجه می‌شود و نه قلب از آن متأثر می‌گردد .

غیرایمانی و غیر انسانی استوار بود. عادت‌های چون ترس از فقر نیز که نخستین انگیزه زنده به گور کردن دختران بود روانبود که با جان روشن از نور ایمان که مطمئن به خدا است بتواند آمیزش کند. این کار، یعنی زنده بگور کردن دختران ظلمی بود که هرگز نمی‌توانست با "حق" که شالوده خلقت آسمانها و زمین بود سرسازش پیش گیرد:

"آنگاه که از دختران زنده به‌گور شده سؤال شود به چه گناهی کشته شدند؟"

عاداتی چون دروغ و غیبت و سخن چینی و طعنه زدن و بدگوئی و عیبجوئی و کبر فروشی و تفاخر و امثال این عادات نفسانی بد، احتیاج به یک مواجهه و در روایستادن قاطعی داشت و اسلحه تیزی که بتواند اینها را ریشه‌کن سازد ارشاد زنده کننده‌ای بود برای قلب به‌جان‌ب عشق الهی و اتصال بدان در آشکار و نهان و دهش و بخشش و گرفتن و دادن با خدا.

تمام اینها عاداتی بود که با تحریکی جان‌آفرین و با روح، ممکن بود نفس انسانی را در یک لحظه از محیط آن عادات، منتقل و از دورترین نقطه چپ بدون هیچ‌کندی و تدریجی، به‌آخرین حد راست برد!

اما عادات "اجتماعی" را که برافکار و ادراکات و مشاعر "فرد" به‌تنهایی سایه نینداخته‌اند، احوال و اوضاع اجتماعی و اقتصادی هم‌درآمیخته است، نمیتوان چاره‌کرد جز اینکه به تدریج و پیشروی کند متوسل شده با پند و وعظ مستمر و ارشاد دائم و زنده ساختن دلها با آن مقابله و مبارزه کرد.

اینکار دو وسیله اختیار کرد: یا عادت را قوری و بدون معطلی قطع کرد و به دور انداخت، یا تدریجاً و به‌کندی ریشه آنها را با تیشه خویش برید. برای هر یک از عادات به‌نسبت نوعشان و مقدار ریشه دوانیدشان در جان، یکی از این دو وسیله را انتخاب کرد.

هر عادت‌هایی که به اساس و ریشه تصورات و عقیده بستگی داشت و مستقیماً به خدا مربوط میشد از همان ابتدای کار بیدرنگ قطع گردید و به دور انداخته شد. این عادات چون زخمهای عفونی و ورمهای ناپاکی بودند که در بدن پیدا می‌شود و باید آنها را از ریشه درآورد و به دور انداخت و گرنه زندگی کردن ممکن نمی‌شود.

شرک با تمام عادات و وابستگیهایش، از عبادت و پرستش بنها گرفته تا گورد آمدن پیرامون آنها و انجام مراسم معینی به خاطر آنها، در اولین لحظه و با ضربتی برنده قطع شد، زیرا شرک و ایمان با هم به یک راه نمی‌روند، عبادت و بندگی خدا با پرستش موجودات‌سی غیر از خدا با هم امکان پذیر نیست. لذا مسلمان یک عقب گرد کامل صد و هشتاد درجه‌ای صریح و سریعی از محیط فکری قدیمی که در آن به سر می‌برد به محیط جدید ایمانی کرد، به محیطی رو گذاشت که هر چیزی در آن حدود بر پایه وحدانیت خالص خدا بنا شده بود و تنها یک نیروی توانا بر عالم هستی چیره و همه‌کار در قدرت تصرف او بود.

هیچ متارکه و سازشی با عادت ننگین زنده به گور کردن دختران امکان نداشت زیرا بر پایه‌ای

شراب بخورد و قبل از رسیدن هنگام نماز به هوش آید .

آخرین گام قاطع و دستور صریح تحریم این آیه بود : " بدون هیچ تردیدی شراب و قمار و بت پرستی و تیرهای گروبندی (رسم جاهلیت) همه پلید و ناپاک و از عمل شیطان است البته باید از آنها دوری کنید تا رستگار شوید . " ۵

کار تحریم زنا هم تدریجا " صورت گرفت و از نصیحت شروع شد تا تهدید به عقوبت و کفیر اجمالی و سک تا تهدید به عقاب سنگین معین . و همچنین بود وادار کردن اجباری دختران و کبیرگانشان به فحشاء که نخست فرمود اگر خود به عفت مایلند نباید آنها را بدین کار وادار کرد و به جای آن عقد موقت را جایز دانست و مباح کرد بعد از این مرحله هم گامی فراتر نهاده ، زنا و اکراه دختران به فحشاء و ازدواج موقت همه را تحریم کرده همه درها را به روی این کار بست جز ازدواج دائمی که به نام خدا و به قصد همیشگی و دائم بودنش صیغه عقد را جاری کنند . ۶

تحریم زنا هم تا سال دهم هجرت آن هنگام که نمو و رشد جامعه مسلمانان تکمیل گردید و جان اسلامی در کالبد همه دمیده شد ، به تاخیر افتاد .

و اما برده داری هم ، از وسائل کند تدریجی برای چاره آن استفاده شد و وسائل طوری ترتیب داده شد که در آخر به آزاد کردن بردگان منتهی شود زیرا الغاء بردگی احتیاج به نهی تدریجی کند داشت و لازم بود قبل از اینکه قانون از خارج آزادی بردگان را اعلام کند ، این فکر از دورن جانهایشان بیرون زند . همچنین وسیله ای بود که تدریجا " احساس بردگان را نسبت به انسان بودنشان تحریک کند و با وادار ساختن برده داران

شرابخواری ، زناکاری ، ربا ، بردگی ، بدان اندازه که در اجتماع ساری و جاری بود و اجرا می شد کمتر به عادات " فردی " و باطن شخصی ارتباط داشت . اینها عاداتی نیستند که نفس بتواند یکباره از آنها دست کشیده هرگز مشاقانه به جانب آنها دوباره روی نیاورد و بدان عادت برنگردد !

لذا اسلام برای قطع آنها به تدریج و اقدام مرحله به مرحله و درجات متفاوت پناه برد یا تا هنگام رشد و نمو کامل جامعه اسلامی تحریم آنها را به تاخیر انداخت . ۲۰

اولین اشاره برای تحریم شراب این آیه بود : " (و از میوه های خرما و انگور) که نوشابه های شیرین و رزق نیکو از آن به دست آید . . . ۲۰ بین مستی و روزی نیکو فرق گذاشت . این آیه ارشادی لطیف و اشاره ای دقیق بود و قلبهای هوشیار مسلمین احساس کردند که بالاخره دیر یا زود خدا شراب را تحریم خواهد کرد .

سپس دومین اشاره این بود : " درباره شراب و قمار از تو می پرسند بگو دارای گناه بزرگی هستند و نوعی منفعت هم در آنها برای مردم هست ولی گناهشان بزرگتر از منفعتشان است . " ۳ در این مرحله عقل و وجدان قانع می شوند نفس از الفت وانسی که گرفته است به تکان و جنبش در میاید و از عادت که داشته است آماده خارج شدن میگردد . سومین اشاره بدین مطلب این بود : " ای کسانی که ایمان آورده اید در حال مستی نزدیک نماز نشوید . " ۴ مسلمانان را از مستی در حال نماز منع کرد . اینکار در واقع نهی از دست به دست گردیدن شراب در میان مسلمانان بود ، زیرا اوقات نماز طوری بود که مسلمان عملا نمی توانست

جامعه‌ای تشکیل می‌دهد که تنها افکار و تصورات و فضائل اسلامی در آن حکمفرما باشد و بر اثر آن ، در آن واحد ، عملاً عادات فردی و اجتماعی به یکدیگر مربوط شود تا دوام و استمرار آن عادت ها تضمین گردد . با به هم پیوستن



عادات فردی و اجتماعی نه تنها دوام و استمرار را تضمین می‌کند ، بلکه اصولاً زندگی انسان هم ، با چند برابر شدن قدرت زندگی بر اثر ضمیمه شدن دیگران بدان ، تضمین می‌شود و بدون کندی و جمود جریان پیدا می‌کند ، با برخورد و ضمیمه شدن همه عادات فردی و اجتماعی ، نظام اجتماعی توانائی ایجاد می‌شود که ساختمانی بس محکم و استوار دارد .

همه عادات نفسی دیگر از قبیل : راستی ، وفا ، محبت ، مهربانی ، بخشش ، ایثار و غیره نیز دارای همین آثار اجتماعی هستند .

اسلام برای ایجاد عادات نیکو به پراگبختن و تحریک وجدان و ضمیر باطن و ایجاد میل و رغبت در کار پناه می‌برد . بعد از آن میل را به کار واقعی مشخصی تبدیل می‌کند که دارای حدود و خصوصیات روشن است ، ظاهر و باطن را با هم

به خوشرفتاری با بردگان خود احساس شخصیت را در آنها بیدار کرد . با مربوط ساختن دل بردگان به خدا مزه آزادی را کم کم در مذاقشان گذاشت و هنگام رو به رو شدن با مشکلات زندگی به خود و به قدرت‌خدای آفریدگار خود انکاء داشته باشند . ۶

کاشتن بذر عادات خوب و شایسته هم دارای راهها و مراحل مختلفی است .

برای جانشین کردن ایمان بجای کفر و سیله‌های استخدام می‌کند که وجدان را به جنبش درآورد زنده کند و ملهم سازد ، وسیله‌ای که بکمربند جان را از تصویری به تصورات دیگر و از درکی به درک دیگر منتقل کند . البته نمی‌گذارد همینکه به

این مرحله منتقل شد همانجا ایستاده بماند ! فوری آنرا تبدیل به عادت می‌کند ! عادت کنایه زمان و مکان و اشخاص در آنست .

شخص مسلمان را از محیط کفر که در آن زندگی می‌بیرون می‌آورد تا با مومنان دیگر برپا سازد و پیدا کند با آنان عطف و الفت به هم زند و بین او و مومنان چنان پیوند دوستی و "خویشی" ایجاد گردد که معادل همخونی و بلکه

از آن هم نزدیکتر باشد ! پس از آن مومنان را عادت می‌دهد که از ایمان سخن بگویند و

کارهایشان از روی ایمان باشد . با آنان نماز می‌خواند و نماز را برایشان عادی می‌کند ، همراه

با آنان به قرآن گوش فرامی‌دهد تا گوش کردن قرآن برایشان عادی شود . با آنان می‌جوشد

تا جوشش و مودت به صورت عادت درآید و بار بپایانیشان را با هم به دوش کشند تا کم کم تحمل

مشکلات در راه عقیده برایشان عادی شود ! او را وادار می‌کند همراه با مومنان بجنگ کفار رود تا

کم کم جنگ با کفار عادت آنان گردد !

در آمیخته هر دو راهمشان و موافق با یکدیگر می‌سازد؛ میل و رفتار. آنگاه میل و رفتار را از صورت مساله فردی بیرون آورده آن راحلقه‌های رابط سلسله محکم اجتماع می‌سازد.

نماز میل و رغبتی است که در باطن انسان برای پیوند یافتن با خدا و خواستن از او و طلب مئونه و روزی از درگاهش، ایجاد می‌شود. این رغبت باطنی به عملی با مراسم و مشخصات مخصوصی تبدیل می‌شود. این عمل مشخص و معین فردی به یک کار اجتماعی مورد علاقه و محبت همه تحول پیدامی‌کند.

زکات میلی است که در اندرون نفس انسان پیدا می‌شود برای آزاد ساختن جان انسانی از بخل و ایجاد مهربانی و همدردی با نیازمندان و همکاری با اجتماع. این میل درونی به کار ظاهر مشخص و معینی با حدود خاص تغییر شکل میدهد که هم نسبت و حدود آن در دارائی معین است و هم هنگام پرداختش. این کار فردی به نظامی بدل می‌شود که پایه حکومت اسلامی و جامعه بر آن استوار است.

به همین طریق تمام عادات اسلامی از زنده ساختن رغبت و خواست قلبی شروع می‌شود آنگاه این رغبت باطنی به عدل زنده و مجسم و مشخص تبدیل میگردد. در این تغییر و تحول اندک جدو جهد طاقت فرسا و غیر قابل تحملی هم برای انسان پیش نمی‌آید و در عین حال که این رغبت کم کم به صورت عادت در می‌آید. این عادت آگاهانه و از روی شعور و توجه انجام می‌گیرد نه خود کار و ناآگاهانه و ماشینی.

۱- التکویر ۹-۸

۲- النحل ۶۷/ ۴- النساء ۴۳/

هـ- المائده ۹۰/

ع- تحریم ازدواج موقت را مولف مطابق عقیده عده‌ای از برادران مسلمان اهل سنت گفته‌است و حال آنکه دو متعرو را (طواف نساء و ازدواج موقت) عمر در روزگار خلافت خویش، تحریم کرد و ناروا دانست و جزء تشریعات اسلام نبود که تدریجا " تحریم شود یا یکباره . چون این موضوع یک مساله حیاتی و مبتلا به همیشگی بشر است برای تمام موارد ضروری جایز است و اگر به جای خود و تنها در موارد ضروری مطابق با آداب و دستورات عمل شود از فحشای رایج در ممالک اسلامی سخت جلوگیری می‌کند (مترجم)

۷- در این باره مراجعه کنید به کتاب " شبهات حول الاسلام " فصل مشروح " الاسلام والرق ". (این کتاب به نام (اسلام و ناسامانیهای روشنفکران " به فارسی ترجمه شده است .)

پنجم از مقدمه ۳

عادت عاده مبرسه و اجتماع سازنده تمام رفتار و عبادت و شخصیت افراد جامعه است. تحول و بازی خداوند معال اجتماع انطالی با این تحول و بازی است که بتواند نقش خود را بخواهد. اما کند اگر در دست و خانه در با همکاری جسم و جان این همه را بشود فردانی بسازد تکویر از امور عوامه دامت و می‌توانیم ثابت کنیم که حوائج انسان و عبادت با هر پایه تعالیسم نفس انسانی می‌تواند جوامع بزرگی را هم چون پدید آید انسانی.